



درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فیما یحرم علی الجنب

موضوع جزئی: حکم دخول جنب در مشاهد مشرفه

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۲۳ اسفند ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۹ رجب ۱۴۴۲

جلسه: ۸۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در حکم توقف جنب در مشاهد مشرفه بود، عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، حکم مشاهد مشرفه نیز همانند مساجد است، یعنی همان گونه که دخول جنب در مساجد جایز نیست، دخول جنب در مشاهد مشرفه نیز حرام می باشد. عرض شد که دلیل اول بر الحاق مشاهد مشرفه به مساجد این است که حقیقت و روح مسجد که عبارت از شرافت و محلّ برای عبادت و تحصیل قربت نسبت به پروردگار عالم است، در مشاهد مشرفه نیز وجود دارد، بلکه حتی عده ای گفته اند که مشاهد مشرفه اکمل از مساجد می باشند، یعنی علاوه بر اینکه مسجدیت بر آنها صدق می کند، شرافت بالاتری نیز دارند. پس دلیل اول این است که معنای مسجدیت در مشاهد مشرفه نیز تحقق دارد.

در اشکال بر دلیل اول گفته شد که حرمت مکث و دخول، بر عنوان مسجد مترتب شده است و بر معنای مسجد و روح مسجد مترتب نشده است تا گفته شود که احکام مسجد به مشاهد مشرفه نیز سرایت می کند، پس چون تسری احکام مسجد به مشاهد مشرفه دلیل ندارد، نمی توان گفت که مشاهد مشرفه به مساجد ملحق می شوند.

دلیل دوم بر الحاق مشاهد مشرفه به مساجد، لزوم تعظیم شعائر الهی است که از آیه شریفه ذیل استفاده می شود؛

«وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^۱.

گفته اند که حرمت دخول و مکث جنب در مشاهد مشرفه از باب تعظیم شعائر الهی است.

در رابطه با این دلیل نیز گفته شد که نهایت چیزی که بتوان از آیه مذکور، استفاده کرد، استحباب ترک دخول در مشاهد مشرفه؛ با حالت جنابت است لذا ترک دخول در مشاهد مشرفه؛ با حالت جنابت، واجب نیست تا گفته شود که دخول در آنها؛ با حالت جنابت حرام است، چون تعظیم شعائر الهی مراتب متعددی دارد و الزاماً تعظیم به جمیع مراتبش واجب نیست. بلکه اگر از دخول شخص جنب در مشاهد مشرفه و توقف در این اماکن، هتک حرمت پیش آید، دخول او حرام است و این، یک عنوان ثانوی است و یک عنوان اولی نیست لذا تعظیم واجب می شود و مکث و توقف در مشاهد مشرفه، عنوان حرمت پیدا می کند، اما این حرمت به عنوان ثانوی است و نه به عنوان اولی، چون حرمت، متعلق به هتک است و ترک هتک، مستلزم تعظیم است و هتک، گاهی ممکن است که محقق شود و گاهی ممکن است که محقق نشود، پس هر جا که عنوان هتک آمد، تعظیم واجب است و هر جا که عنوان هتک نیاید، تعظیم واجب نیست و چه بسا که دخول جنب در مشاهد مشرفه در بعضی از موارد، مصداق تعظیم باشد، مثل آن موردی که وقت تنگ است و مسافر، به خاطر اینکه ممکن است که از قافله جا بماند، تمکن از غسل کردن ندارد و بخواهد به قصد

زیارت داخل حرم شود و سلام بدهد و برود و قصد او از این کار، هتک حرمت حرم امام (ع) نیست، بلکه قصد او، ابراز ارادت به امام (ع) است.

دلیل سوم، روایاتی می‌باشند که در این رابطه وارد شده‌اند که روایات ذیل از این جمله‌اند؛

روایت اول: صحیح محمد بن الحسن الصفار: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ فِي بَصَائِرِ الدَّرَجَاتِ عَنْ أَبِي طَالِبٍ يَغْنِي عَبْدَ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: خَرَجْنَا مِنَ الْمَدِينَةِ نُرِيدُ مَنْزِلَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، فَلَحَقْنَا أَبُو بَصِيرٍ خَارِجاً مِنْ زُقَاقٍ وَهُوَ جُنُبٌ وَنَحْنُ لَا نَعْلَمُ حَتَّى دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى أَبِي بَصِيرٍ فَقَالَ: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَمَا تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِحُجُبٍ أَنْ يَدْخُلَ بُيُوتَ الْأَنْبِيَاءِ؟» قَالَ: فَارْجِعْ أَبُو بَصِيرٍ وَدَخَلْنَا^۱.

گفته شده است که کلمه «لا ینبغی» که در این روایت آمده است، بر حرمت دخول جنب در مشاهد مشرفه دلالت دارد.

روایت دوم: عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ: «أَقْبَلَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَمَّا صَارَ قُرْبَ الْمَدِينَةِ خَضَخَضَ وَدَخَلَ عَلَى الْحُسَيْنِ (ع) وَهُوَ جُنُبٌ»، فَقَالَ لَهُ: «يَا أَعْرَابِيٌّ أَمَا تَسْتَحِي تَدْخُلُ إِلَى إِمَامِكَ وَأَنْتَ جُنُبٌ أَنْتُمْ مَعَاشِرَ الْعَرَبِ إِذَا خَلَوْتُمْ خَضَخَضْتُمْ»، فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ: قَدْ بَلَغْتُ حَاجَتِي فِيمَا جِئْتُ لَهُ، فَخَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ فَاعْتَسَلَ وَرَجَعَ إِلَيْهِ فَسَأَلَهُ عَمَّا كَانَ فِي قَلْبِهِ^۲.

«خضخضتم» به معنای استمناء است.

روایت سوم: مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ النُّعْمَانِ الْمُفِيدُ فِي الْإِرْشَادِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ وَكَانَتْ مَعِيَ جُوزِيَّةٌ لِي فَأَصَبْتُ مِنْهَا ثُمَّ خَرَجْتُ إِلَى الْحَمَّامِ فَلَقِيتُ أَصْحَابَنَا الشَّيْعَةَ وَهُمْ مُتَوَجِّهُونَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَخَفْتُ أَنْ يَسْبِقُونِي وَيَفُوتَنِي الدُّخُولُ إِلَيْهِ فَمَشَيْتُ مَعَهُمْ حَتَّى دَخَلْتُ الدَّارَ فَلَمَّا مَثَلْتُ بَيْنَ يَدَيِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) نَظَرَ إِلَيَّ، ثُمَّ قَالَ: «يَا أَبَا بَصِيرٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ بُيُوتَ الْأَنْبِيَاءِ وَأَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ لَا يَدْخُلُهَا الْجُنُبُ»، فَاسْتَحْيَيْتُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي لَقِيتُ أَصْحَابَنَا فَخَشِيتُ أَنْ يَفُوتَنِي الدُّخُولُ مَعَهُمْ وَلَنْ أَعُودَ إِلَى مِثْلِهَا وَخَرَجْتُ^۳.

ابو بصیر گفته است که من داخل مدینه شدم؛ در حالی که کنیزکی همراه من بود، پس با او هم‌بستر شدم و سپس به سمت حمام خارج شدم، پس با گروهی از شیعیان ملاقات کردم که قصد زیارت امام صادق (ع) را داشتند، من ترسیدم که آنها از من سبقت بگیرند و من توفیق زیارت آن حضرت (ع) را پیدا نکنم، پس با آنها راه افتادم تا داخل خانه امام (ع) شدم، چون در مقابل آن حضرت (ع) قرار گرفتم، به من نگاه کرد و فرمود که ای ابو بصیر آیا نمی‌دانی که جنب داخل خانه‌های پیامبران (ع) و فرزندان آنان نمی‌شود، پس شرمنده شدم و گفتم: ای فرزند رسول خدا (ص) من عده‌ای از اصحاب را ملاقات کردم، پس ترسیدم که دخول بر شما در معیت آنان از من فوت شود و بعداً این فرصت پیش نیاید، پس [از نزد امام (ع)] خارج شدم.

روایت چهارم: عَلِيُّ بْنُ عِيسَى فِي كَشْفِ الْغُمَةِ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ الدَّلَائِلِ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَآنَا أُرِيدُ أَنْ يُعْطِيَنِي مِنْ دَلَالَةِ الْإِمَامَةِ مِثْلَ مَا أُعْطَانِي أَبُو جَعْفَرٍ (ع) فَلَمَّا دَخَلْتُ وَكُنْتُ جُنُبًا قَالَ: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا كَانَ لَكَ فِيمَا كُنْتَ فِيهِ شُغْلٌ تَدْخُلُ عَلَىَّ وَأَنْتَ جُنُبٌ» فَقُلْتُ: مَا عَمَلْتُهُ إِلَّا عَمْدًا، قَالَ: «وَلَمْ تُؤْمِنْ»، قُلْتُ: بَلَى وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي، فَقَالَ: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ قُمْ فَاعْتَسِلْ»، فَقُمْتُ وَاعْتَسَلْتُ وَصِرْتُ إِلَى مَجْلِسِي وَقُلْتُ: عِنْدَ ذَلِكَ إِنَّهُ إِمَامٌ^۴.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۱۶، ص ۲۱۱، ح ۱.

۲. همان، باب ۷، ص ۱۹۳، ح ۲۴.

۳. همان، باب ۱۶، ص ۲۱۱، ح ۲.

۴. همان، ص ۲۱۲، ح ۳.

اشکالی که بر این روایات وارد است این است که بعضی از روایات مذکور، از حیث دلالت تمام می‌باشند و از نظر دلالت مشکلی ندارند، لکن از نظر سند ضعیفند، مثل روایت سوم و چهارم که دلالت آنها بر مدعا [حرمت دخول جنب در مشاهد مشرفه] تمام است، لکن سند آنها ضعیف است و بعضی از روایات مذکور، مثل روایت اول و دوم از حیث سند مشکل ندارند، لکن دلالت آنها تمام نیست. توضیح مطلب این است که نهی در روایت سوم و چهارم نسبت به دخول جنب بر امام (ع) یا نهی نسبت به دخول در بیوت انبیاء (ع) یا غضب آنان نسبت به حرمت دخول جنب بر آنان، هرچند که در حرمت دخول جنب بر امام (ع) ظهور دارد و دلالت این دو روایت تمام است، لکن مشکل این دو روایت این است که مرسله‌اند لذا از حیث سند ضعیف‌اند و استناد به آنان تمام نیست.

اما روایت اول و دوم از حیث سند مشکلی ندارند، لکن از نظر دلالت مشکل دارند و دلالت این دو روایت تمام نیست که توضیح آن، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»